

چیستانهای تالشی

رحیم پوردادا

۱ - تَک و توک تَنگه بَره سر خونه اَسب و زَرَد کره
(صدای تق و توق در مجاری تنگ , اسب سفیدی است همراه با گره زرد)

« نره nera » (کوزه سفالی مخصوص کره گیری)

۲ - جنجر پنجر آل گوش د پا دار چارده گوش
(ژولیده و پاره پوره با چند تا گوش دو تا پا دارد چهارده تا گوش)

« چَر čara » دوک نخ ریسی

۳ - ام وَر قالی اَوَر قالی مینیکا نشته کتا قلی
(این طرف فرش و آن طرف فرش , وسط آن کد خدا قلی نشسته است .)

« چرا čārā » (چراغ)

۴ - ام وَر کچه اَوَر کچه مینیکا نشته کوه غو وَچَه
(این طرف قاشق و آن طرف قاشق وسط آن بچه جغد نشسته است .)

موچه muča (ذرت)

۵ - جیری را شو کار دار کفا را شو بار دار
(پائین می رود کار دارد بالا می رود بار دارد .)

« کچه kača » (قاشق)

۶- ام وَر بَسْتَه اَوَر بَسْتَه کیلیدیش خدا دسته
(این طرف بسته است آن طرف بسته است کلیدش دست خداست .)

« خامله ژن xāmlažen » (زن حامله)

۷- ای یا وَنگ گَر خرا کا جَنگ گَر
(اینجا صدا می دهد , در هیرو آباد جنگ می کند.)

« تفنگ Tōfang » (تفنگ)

۸- ایسپی یِه خَلا آوی سَر
(پارچه سفیدی روی آب)

« پت pōt » (کف)

۹- گا بَرشو , ووَنه دوشن (گاو بیرون می رود , طویلله را می دوشند .)

« مِش و کَند mešo kandō » (زنبور عسل و کندو)

۱۰- گا دَشو دوم دَنشو
(گاو داخل می رود دمش نمی رود .)

« کچه kača » (قاشق)

۱۱- سیا راکه آوی سر
(چوبی سیاه روی آب)

« نَلتی nalati » (مار)

۱۲ - خشکۀ دریا وَر وار
(دریایی خشک که برف می بارد .)

«alak» (الک مخصوص آرد)

۱۳ - ت را شی آمون
(تو راه می روی آن می ماند .)

pāriya (پارویه) «ردپا»

۱۴ - ت شی انی شو ت مونی انی مونو
(تو راه می روی آن هم راه می رود , تو می مانی آن هم می ماند .)

«sā» (سایه)

۱۵ - تا مَدَنشی را نِشو (تا سوار نشوی راه نمی رود)

«pāqab» (کفش)

۱۶ - پِگری داد گر بنی آلاوی
(بلند کنی گریه می کند زمین بگذاری ساکت می شود)

«zang» (زنگوله چهار پایان)

۱۷ - بَسْتَ صَدوق داری سَر (صندوق بسته ای روی درخت)

«vuz» (گردو)

۱۸ - ویرا ویرا پا نِدار گَز گَز تک نِدار
(پایین می آید (در صورتی که) پا ندارد , می گزد نیش ندارد .)

« ور var » (برف)

۱۹ - دار و چو کا بلندتر آگله گلو کا فوتر تر زهر ماری کا بتتر .
(از دار و درخت بلندتر , از تخم مرغ کوتاهتر و از زهر مار بدتر است .)

« پونش puneš » (پشه)

۲۰ - سه بر این هر سِ سینه سیسته .
(سه تا برادرند که هر سه سینه هایشان سوخته است .)

« سلنگه selōnga » (سه پایه غذا پزی)

۲۱ - آتش پسنه لوی سر
(هیزم روشن روی لب)

« پیروز papruz » (سیگار)

۲۲ - سیا غلام ستم مکش آسی کا ویرا خردتون خَش آ .
(ای غلام سیاه زیاد زجرنکش از اسب بیا پایین که بچه ها خوشحال می شوند) « پلاپاتله pōlā pātla » (دیگ
پلو روی آتش)

منبع: ماهنامه تالش - شماره ۱۸

برگرفته از: وبلاگ "فرهنگ تالشان"